

## زبان و فرهنگ آرامی

۲

خاورشناسان قلمرو لهجه آرامی را بدو منطقه تقسیم کرده اند: دسته اول مشتمل بر لهجات شهرهای عراق جنوبی و شمالی است که آنرا آرامی شرقی نامیده اند. دسته دوم شامل لهجات آرامی در سوریه و فلسطین و شبه جزیره سینا است که آرامی غربی خوانده میشود. فرق بین این دو لهجه چنانکه بعداً بیان خواهیم کرد بیشتر از نظر لفظی در شیوه و روش تکلم و نوع و مقدار کلمات دخیله و خارجی و از نظر معنوی در طرز تفکر و تأثیر اجتماع و تمدن بوده است ۴۴ مثلاً در لهجات غربی حرف یا در اول مضارع چنانکه در بیشتر السنه سامی مراعات میشود علامت مفرد مذکر غائب بوده در حالیکه در لهجات غربی بجای یانون بکار میرفته است و نیز حرف «آ» در آخر اسماء لهجه غربی حاکی از حرف تعریف بوده ولی در لهجه شرقی این خاصیت را از دست داده و جزئی از اجزاء کلمه گردیده است ۴۵.

**آرامی غربی:** آرامی غربی بحسب اعصار تاریخی بلهجه‌های بسیاری تقسیم میشود که مشهورترین آنها سه لهجه ذیل است که هر کدام از آنها مرحله خاصی از مراحل تطوری را طی کرده است. اول، آرامی غربی در قدیمترین زمان، دوم، لهجه که در برخی اجزاء بعضی از اسفار تورات بکار رفته است، سوم، لهجه آرامی جدید فلسطین ۴۶ ما هر یک از این لهجات را به تفصیل در ذیل بیان خواهیم کرد.

### ۱- آرامی غربی در قدیمترین زمان:

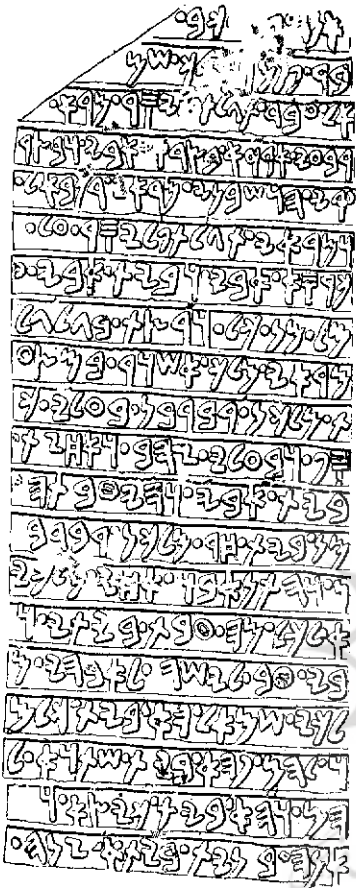
باستانی ترین آثار که از این لهجه بدست آمده کتیبه‌هایی است که قدمت برخی از آنها به هشت قرن پیش از میلاد میرسد این آثار در آسیای صغیر و فلسطین و مصر و عربستان و بعضی از مناطق افریقای شمالی دیده شده و تازه ترین آنها از سده پنجم پیش از میلاد تجاوز نمی‌نماید. کثرت این آثار در اقالیم دور از یکدیگر دلیل بر نفوذ عمیق و بسط زبان آرامی در میان امم قدیمه عالم است.

با وجود وفور این آثار تا کنون مستشرقان بتدوین کتابی در قواعد صرف و نحوی لهجه آرامی قدیم و طرز تکلم آن موفق نگردیده اند زیرا هنوز این آثار برای وضع قواعد کلی و نظریات مطردی راجع به اصول آرامی قدیم کافی نیست و برای وصول بدین منظور کاوشهای بیشتری لازم است ۴۷ ما اینک نمونه‌هایی از این آثار را با عین تلفظ آنها و مقایسه با زبان عربی و ترجمه آنها بزبان فارسی در اینجا ذکر مینمائیم.

۳۴ - تاریخ لغات سامی و لفسنن ص ۱۱۷ ۳۵ - فقه اللغه دکتر وافی ص ۴۵ ۳۶ - فقه اللغه دکتر

وافی ص ۴۷ ۳۷ - تاریخ لغات سامی و لفسنن ص ۱۱۹

## نقش بر ركب ملك شمال



- ۱- انه ۱ ب (ر) ركب .
- ۲- بر ۲ بنمو ملك شم
- ۳- ال عبد تجلت پليسر مرا
- ۴- ربعي ۲ ارقا بصدق ابي و بصد .
- ۵- قى هوشبني مرای ر كبال
- ۶- و مرای تجلت پليسر عل ۴
- ۷- كرساه ابي ۶ و بيت ابي ع
- ۸- مل ۲ من ۸ كل ۹ و رصت بجلجل
- ۹- مرای ملك آشور ۱۰ بصع
- ۱۰- ت ملكن ۱۱ ر بر بن بعلي ك
- ۱۱- سف و بعلي ذهب ۱۲ و اخذت ۱۳
- ۱۲- بيت ۱۴ ابي و هي طته
- ۱۳- من بيت حد ملكم و ر برب ۱۵
- ۱۴- ن و هنتا بو احي ۱۶ ملكي
- ۱۵- الكلال مه طبت ۱۷ بيتي و
- ۱۶- بي طاب ۱۸ ليشه ۱۹ لا ابي ۲۰ م
- ۱۷- لكى شمال ها بيت كلم
- ۱۸- و لهم ۲۱ بهاشتوال ۲۲
- ۱۹- هم و ها بيت كيضا ۲۳ و
- ۲۰- انه بنيت ۲۴ بيتاز نه ۲۵

## ترجمه نقش بر ركب ملك شمال

- ۱- منم بر ركب
- ۲- پسر پيموشاه (ملك)
- ۳- شمال عبد (بنده) تكلات پليسر آقاي

۱- عربى : انا ۲ - عربى : ابن ۳- عربى : اربع ۴- عربى : على ۵- عربى : كرسى ۶- عربى : ابي  
 ۷- عربى : يعمل ۸- عربى : من ۹- عربى كل ۱- عربى ملك آشور ۱۱- عربى : ملوك ۱۲- عربى :  
 ذهب ۱۳- عربى : اخذت ۱۴- عربى : بيت ۱۵- عربى : ر برب : گله از گاو ان دشتي (بمعنى كشرت)  
 ۱۶- عربى : احي ۱۷- عربى : طاب ۱۸- عربى : طيب ۱۹- عربى : ليس ۲۰- عربى : لا بائي  
 ۲۱- عربى : لهم ۲۲- عربى : بيت الشتاء ۲۳- عربى : بيت الفيظ ۲۴- عربى : انا بنيت ۲۵- عربى :  
 هذا . ذه . دان

- ۴- نواحی چهارگانه . از جهت صدق پدرم
- ۵- و صدق خودم نشایند مرا آقايم ركب ال
- ۶- و آقايم تكلات پليسر بر
- ۷- تخت پدرم و خانواده پدرم
- ۸- ميكوشيد ( از میان بردن ما را پیش ) از همه و من در جلوی عرابه میدویدم  
( چون اسیر )
- ۹- آقای من است ملك آشور بين
- ۱۰- پادشاهان بزرگ صاحبان .
- ۱۱- سيم وزر . و گرفتم
- ۱۲- خانه پدرم را و آراستم آنرا
- ۱۳- ( تالابنکه از بزرگترین ) خانه های هر يك از پادشاهان بسیار شد .
- ۱۴- آنچه را خواستند برادران امیر من
- ۱۵- بر همه ایشان در خانه من گوارا شد
- ۱۶- و خانه ( بدین ) خوبی نبوده است برای آباء من
- ۱۷- پادشاهان شمل . ولی خانه کلامو
- ۱۸- بود برای ایشان و آن خانه زمستانی است
- ۱۹- و بود برای ایشان و آن خانه تابستانی است
- ۲۰- من بنا کردم این خانه را .

### شرح نقش مزبور

این کتیبه بین سالهای ۷۴۵ و ۷۲۵ قبل از میلاد نوشته شده و در سال ۱۸۹۱ میلادی در تل زنجیرلی در دهی مابین انطاکیه و مرعش بشمال حلب در خرابه های قصر ملك برر کب کشف گردیده است . در این کتیبه صورت پادشاه آشور در حالیکه گلی از درخت سدر که نشان شکوه و عظمت است در دست دارد دیده میشود . از این کتیبه معلوم میگردد که خاندان بر کب در منطقه شمل که از نواحی شمالی آرامی سوریه بوده است در تحت سیطره پادشاهان آشور حکومت میکردند و دست نشانده ایشان بوده اند . نام منطقه شمل در چند کتیبه خط میخی زمان شلمنصر ( ۸۶۰-۸۲۵ ق م ) و تگلالت پلیسر ( ۷۳۸-۷۳۴ ق م ) و اسرحدون ( ۶۶۸-۶۶۱ ق م ) و آسور باینال ( ۶۶۸-۶۲۶ ق م ) ذکر شده و آن از اسماء سامی است که عبری یا عربی دلالت بر ناحیه شمل دارد و شاید کلمه «شام» از آن کلمه گرفته شده باشد . این کتیبه بزبان آرامی قدیم است و چنانکه از اسلوب آن پیداست در تحت تأثیر زبان فنیقی واقع شده است ۲۸

## نقش شنزربان کاهن صنم شهر

## ترجمه

- |  |  |
|--|--|
| ۱- شنزربان کاهن(صنم)                       | ۱- شنزربان کمر                                 |
| ۲- شهر که در بئر بمرود                     | ۲- شهر بن ربمت                                 |
| ۳- و این صورت اوست                         | ۳- وزنه ۲ صلمه                                 |
| ۴- و تابوتش                                | ۴- وارسته                                      |
| ۵- (ای) کسبیکه تو                          | ۵- من ۲ ات ۴                                   |
| ۶- برمیگیری صورت را                        | ۶- تهنس صلما                                   |
| ۷- و این تابوت را                          | ۷- زنه وارستا                                  |
| ۸- از جایش                                 | ۸- من ۵ اشره                                   |
| ۹- (صنم) شهر و شمس و نیکل و نشک و محو کنند | ۹- شهر و شمس ۶ و نکل و نشک یسحو                |
| ۱۰- نامت و اثرت را از حیات و ممات در لحد   | ۱۰- شمشک ۷ و اشرك ۸ من حین ۹ و موت ۱۰ الحده ۱۱ |
| ۱۱- بکشند ترا و نابود سازند نسلت را و اگر  | ۱۱- بکطلوک ۱۲ و یها بد ۱۴ و زر عک ۱۴ و هن ۱۵   |
| ۱۲- یاری دهی و نگهداری این صورت و تابوت را | ۱۲- تنصر ۱۶ صلما و ارستا زا                    |
| ۱۳- دیگران ترا یاری دهند                   | ۱۳- احرى ۱۷ ینصر                               |
| ۱۴- و نگاهدارند ترا                        | ۱۴- زى لك                                      |

## شرح نقش مزبور

این نقش در قریه بئر ب نزدیک شهر حلب بسال ۱۸۹۱ کشف شده و آن محتوی صورت کاهن شنزربان میباشد در حالیکه وی دستهای خود را برای نماز بسوی آسمان بلند کرده است. این نقش از نظر طرز تراش و اسم کاهن و اسماء خدایانی که در آن یاد شده تأثیر شدید تمدن آشوری را در آن ثابت مینماید و با اینکه «شهر و شمس» از خدایان و اصنام مشهور در نزد اغلب امم سامی است ولی «نیکل و نشک» بدون تردید از اصنام بابلی و آشوری قدیم بشمار میروند که قبلا از آلپه های شومری محسوب میشدند زیرا علمای باستان شناس معتقدند که نیکل همان «نین گال» شومری و «نشک» خداوند آتش و پسر صنم «شین» است<sup>۴۹</sup> یکی از قدیمترین آثار مکتوب آرامی نقش مجسمه رب النوع هداد Hadad است که مربوط به نیمه اول قرن هشتم قبل از میلاد میباشد و بسال ۱۸۹۰ میلادی در قریه زنجیرلی در شمال غربی سوریه کشف شده است.

دیگر فلزاتی است سکه مانند از برنز که در آبیلاس Abydos پیدا شده و منسوب به پادشاهی موسوم به عبد هداد Abd-Hadad است. لہجہ این نوشته کاملاً به قطعات آرامی کتاب عزراء

۱- عربی: مات. ۲- عربی: ذه. هده. ۳- ذان. ۴- عربی: «من» بفتح میم. ۵- عربی: «من» بکسر میم. ۶- عربی: شمس. ۷- عربی: اسمک. ۸- عربی: اترك. ۹- عربی: من الحیاة. ۱۰- عربی: موت. ۱۱- عربی: لحد. ۱۲- عربی: یقتلوك. ۱۳- عربی: یبیدوا. ۱۴- زر عک (نسلک). ۱۵- عربی: وان. ۱۶- عربی: تنصر. ۱۷- عربی: احرى. ۳۹- تاریخ لغات سامی و نفیس ص ۱۲۴

شبهت دارد. نمونه‌هایی نیز از زبان آرامی در عصر داریوش کبیر و خشایارشا و اردشیر دراز دست بدست مارسیده که از قرن پنجم و اوایل قرن ششم قبل از میلاد است<sup>۴۰</sup> و نیز معدودی از آثار مکتوب آرامی در ناحیه طما در عربستان یافت شده که احتمال می‌دهند از قرن پنجم قبل از میلاد باشد.

دیگر از نقش‌هایی که از این دوران بجا مانده نقشی است منسوب به پادشاه حماة (بین دمشق و حلب) که قدمت آن به هشت قرن قبل از میلاد می‌رسد. این نقوش بخطی شبیه فینیقی است و نظریه‌ی را که خط آرامی مأخوذ از خط فینیقی است تأیید مینماید<sup>۴۱</sup>.

### ۴- لهجه زبان آرامی برخی از اسفار قدیم تورات:

زبان قبایل اسرائیلی در روزگاری که این آثار از آن زمان به ما رسیده آرامی بوده و آنان در عصر نزول کتاب تورات باین زبان متکلم بوده‌اند. خاورشناسان تورات این عهد را نورا آرامی گویند<sup>۴۲</sup> چنانکه هنوز آثاری گران بها از این لهجه در کتب عهد عتیق یافت می‌شود که اهم آنها از ایتقرار است: آیه از کتاب ارمیای نبی. فصولی از کتاب عزرا که تاریخ تسوین آن به سنه ۳۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. پنج فصل کامل از پیشگوییهای دانیال که تاریخ تسوین آن سال ۱۶۷ یا ۱۶۶ قبل از میلاد می‌باشد. دیگر برخی از اصطلاحات آرامی در تورات قدیم است. کتاب دانیال بنی که در اثر سختگیری و بیداد آنتیوخوس ایفان سلوکی نوشته شده از آثار آرامی بعد از سیصد سال فترت است زیرا از قرن پنجم قبل از مسیح تا قریب سیصد قرن هیچگونه اثری از آرامی بدست ما نرسیده است. سبک لهجه قطعات آرامی کتاب دانیال پست ترا از اسلوب عبارت قطعات آرامی کتاب عزراست و تقریباً نزدیک به لهجه و سبک کتاب تلمود است. باید دانست که در کتاب دانیال کلمات یونانی نیز یافت می‌شود چنانکه در کتاب عزرا کلماتی از زبان فرس قدیم وجود دارد. زیرا کتاب دانیال در عصر نفوذ یونانی و کتاب عزرا در روزگار هخامنشیان و عصر رونق و رواج زبان فارسی نوشته شده است.<sup>۴۳</sup>

از این عصر در جزیره فیله (انس الوجود) مصر آثار خطی چندی بزبان آرامی بدست آمده که قدمت آنها به شش قرن پیش از میلاد می‌رسد. این نوشته‌ها بر بردی<sup>۴۴</sup> و سفال است و مشتمل بر چند فقره عقدنامه ازدواج و ارث و طلاقنامه است. جزیره مزبور در عهد هخامنشیان که تسلط بر مصر داشتند مستعمره و مهاجر نشین یهود بوده و تازمان بطالسه بدست ایشان اداره میشد تا پس از تسخیر مصر از طرف رومیان بتصرف کشور روم در آمده این آثار با مکتوبات آرامی که از تورات قدیم بجای مانده شبهت بسیاری دارد. و گروهی از علما از جمله استاد مرسل کوهین عقیده دارند که در جزیره مزبور در آن عصر قومی از مهاجرین یهود سکنی داشتند که بزبان آرامی تکلم می‌کردند و لهجه آن هیچ تفاوت و اختلافی با بعضی از

۴۰- Renan: Histoire Générale des langues Sémite P 218

۴۱- فقه اللغة دکتروافی ص ۴۸ ۴۲- Araméen Biblique .

۴۳- Renan : Histoire Générale des langues sémitiques , P 219

۴۴- بروی نباتی است چون فی که مصریان قدیم آنرا برای نوشتن بکار می‌بردند

اجزاء قدیم سفر دانیال و عزرا که بزبان آرامی بجای مانده ندارد و خطی که با آن این آثار نوشته شده شباهت کاملی بخط مر بع عبری دارد و این قدیمترین سندی است از زبان آرامی که با مر کب نوشته شده است ۴۵ .

### ۳- آرامی جدید فلسطین

در قرن دوم قبل از میلاد زبان آرامی کم کم بر حیات عقلی یهود تاثیر عمیق کرده و همه بلاد فلسطین را فرا گرفت و لهجه آرامی جدیدی پدید آمد که با لهجه قدیم که اجداد ایشان در اعصار نزول اسفار تورات بدان تکلم میکردند تفاوت داشت . در این عصر زبان آرامی رنگ عبری پذیرفت و پس از چندی نیز آمیخته به کلمات یونانی و رومی گردید . لهجه مختلط اخیر تاثیر بسیاری در روح یهود و زبان عبری کرد و یهودیان این لهجه را مانند زبان اصلی خود حرمت نهادند و مقدس می شمردند آثار این نفوذ تا قرن هفتم بعد از میلاد در فرهنگ و زبان یهود باقی ماند و بظهور اسلام و تمدن عربی خاتم پذیرفت و زبان عربی جایگزین آن گشت آثار بسیاری که از اختلاط زبان آرامی و عربی و تاثیر زبان و فرهنگ آرامی در ادبیات یهودی بجا مانده از زبان و لهجه تازه است که بنام آرامی جدید فلسطین خوانده میشود این آثار به اقسام بسیاری تقسیم میشود که اهم آنها آثار یهودی و آثار مسیحی است ۴۶

**آثار یهودی** بیشترین و مهمترین آثاری است که از لهجه آرامی غربی به ما رسیده است چون در این زمان سکنه فلسطین بزبان آرامی متکلم بودند از این رو روحانیون و علمای یهود برای نشر دین خود بر آن شدند که تعلیمات و مباحث دینی را از زبان عبری که مدتها بود برای تکلم بکار نمی رفت و فقط مانند زبان لاتین زبانی علمی و کتابی بود به لهجه متداول آرامی فلسطین که همه مردم آنجا بدان آشنا بودند نقل کنند . در آغاز امر برای نشر و تبلیغ تعلیمات یهود بشرح و بیان شفاهی پرداخته ولی بعد برای ترجمه کتب و رسالات خود ناگزیر شدند که عبارات عبری را نوشته آنها را بزبان آرامی ترجمه کنند . بتدریج از جمع و تدوین این ترجمه ها کتب ملمع بسیاری تالیف گشت که اهم آنها ترجمه اسفار عهد قدیم و شرح اسفار کتاب مشناه است . در ترجمه عهد قدیم ابتدا آیه تورات را بنص عبری آن و در ذیل آن ترجمه آرامی آنرا مینوشتند و اینگونه کتب و ترجمه ها را تر گوم Targum (ترجمه - ترجمه) مینامیدند .

مشهور ترین آنها ترجمه اقلوس و ترجمه یونانان است . کتاب ترجمه اقلوس مشتمل بر ترجمه تورات بزبان آرامی است و یهودیان بوسیله این کتاب به نشر توحید و تعلیمات دینی خود در میان آرامیان بت پرست پرداختند . کلیسای مسیحی نیز در بدو ظهور خود این کتاب را در بین طوایف سریانی و یونانی منتشر ساخت . کتاب ترجمه یونانان مشتمل بر ترجمه بقیه اسفار تورات بزبان آرامی است ۴۷

۴۵- تاریخ لغات سامی و لغتسن ص ۱۲۵ فقه اللغة دکتروافی ص ۴۸

۴۶- تاریخ لغات سامی و لغتسن ص ۱۲۶

۴۷- فقه اللغة دکتروافی ص ۵۰

بیشتر علمای آرامی شناس بر این عقیده اند که زبان ترجمان و لهجه متداول و دارج مردم فلسطین در عصر مسیحی بوده است و در حقیقت ترجمان اقلوس نمونه و اثر خالص و ساده از زبان آرامی است. ترجمان یونانی نیز کاملاً شباهت به ترجمان اقلوس دارد و بلکه لهجه آن خالصتر و درستر میباشد.

در سبک نگارش ترجمان دولهجه متمایز مشاهده میشود یکی ترجمان بابلی که مشتمل بر ترجمان اقلوس و یونانیان است و دیگری ترجمان فلسطینی که عبارت از پشیطو - یونانیان Pesendo - Jonathan و ترجمان او رشلمی Targum de Jérusalem است بخلاف ترجمان های اقلوس و یونانیان سبک نگارش ترجمان های پشیطو یونانیان و ترجمان او رشلمی بسیار محرف و پرازنات دخیله و اصطلاحات فلسطینی است.

علاوه بر اینها ترجمان های دیگری مانند پنج مگیلوث Megilloth در روزگاری جدیدتر از زمان تلمود نوشته شده است که در تاریخ تشریح یهود قابل ملاحظه است<sup>۴۸</sup> اما در باره کتاب مشناه ابتدا اصل عبری آن را نوشته بعد بزبان آرامی شرح و تفسیر میکردند و در حقیقت نوعی از شرح و متن بوده است. این تفاسیر و شروح را جما را Gemara نامیدند که از اختلاط این متن و شرح کتابی موسوم به تلمود اورشلیمی تالیف یافته است.

باید دانست که این ترجمان ها و شرحها در اعصار مختلفی نوشته شده که قدیمترین آنها به قرن دوم بعد از میلاد و مهمترین آنها تا قرن چهارم و پنجم میلادی میرسند. دیگر از آثار یهودی بزبان آرامی فلسطین رساله در باره اعیان دوصوم یهود و سبب ایجاد این شعائر و سنت ها است که ظاهراً در قرن اول بعد از میلاد مسیح نوشته شده است. دیگر رساله است بنام انیتوکوس که در آن از جنگهای یهود با سلوکی ها سخن رفته و قدمت آن به قرن دوم قبل از میلاد مسیح میرسند.

دیگر از ادبیات آرامی یهود عبارت است از بخشهای ابو کریف Apocryphal<sup>۴۹</sup> (کتاب جعلی و مشکوک دینی) و مصوبات قانونی جیونیم Geonim) و منتخبات مراسم مذهبی کتاب زهار Zohar و بخشی وسیع از ادبیات ربانی و غیره میباشد

در سبب تاثیر زبان و ادبیات آرامی در زبان و فرهنگ و آداب یهود نیز این نکته را باید دانست که از قرن هشتم قبل از میلاد که مهاجرت اقوام آرامی به سوریه و سواحل فرات روی بتزاید نهاد بر اثر قرب جوار کم کم در سرزمین فلسطین نیز نفوذ یافته و زبان ایشان با عبری در

۴۸ - Renan : Histoire Générale des langues sémitique P. 225 -

۴۹ - زواید تورا که مسیحیان آنرا ابو کریف یعنی زائد و جعلی دانسته و انتساب آنها را با الهام الهی تصدیق ندارند چهارده کتاب است از اینقرار :

۱- اسدروس اول ۲- اسدروس دوم ۳- طوبیت ۴- یهودیت ۵- بقیه فصول کتاب استر ۶- حکمت سلیمان ۷- حکمت یسوع بن سیراح ۸- تاریخ ۹- اقوال سه جوان مقدس و تنه کتاب دانیال ۱۰- تاریخ سوسنه ۱۱- تاریخ انقلاب بل و ازدها ۱۲- دعای مننه پادشاه یهود ۱۳- مکابین اول ۱۴- مکابین ثانی

بک ردیف قرار گرفت از این گذشته اسارت یهود در بابل نیز یکی از موجبات رسوخ و نفوذ زبان آرامی در زبان یهود بود زیرا بابل در ناحیه فرات و از مراکز زبان و فرهنگ آرامی بشمار میرفت و این نفوذ فرهنگی آرامی در یهود بقدری سریع و عمیق بود که علما و احبار آن قوم را به خطر مجوز زبان و آداب عبری متوجه ساخت و آنان را در مبارزه با این نفوذ معنوی عمیق بیدار کرد و ایشان با وسایل ممکنه بترویج زبان خود پرداختند و بارواج زبان آرامی در میان یهود مخالفت کردند. و بعد از بازگشت قوم یهود به فلسطین با مرکز کورش در ۵۱۶ قبل از میلاد و تشکیل مجدد دولت یهود بعزت دور شدن از محیط فرهنگ آرامی علمای یهود توانستند که تاحدی از شیوع آن زبان در بین قوم خود جلوگیری کنند احبار و علمای یهود از زبان آرامی نفرت داشتند و احادیث و اخباری در مذمت آن نقل کرده اند. مثلا در تلمود آمده است که «زبان عبری و یونانی را بیاموزید و بیکار برید و از استعمال زبان آرامی بپرهیزید»

در جای دیگر گوید «آدمی با برادر و دوستش نباید بزبان آرامی سخن گوید» وجود این شواهد در تلمود و کتب یهود معلوم میسازد که تا چه حد زبان آرامی در بین یهود رسوخ داشته که حتی مردم در خانه و شهر خود با برادر و دوست خویش بجای اینکه بزبان مادری خود گفتگو کنند بزبان آرامی مکالمه میکردند.

سبب عمده نفوذ این زبان بیشتر قرابت زبان آرامی با عبری بود که دو خواهر دوقلوی هم محسوب میشدند. از این جهت علمای یهود از رواج و شیوع زبان آرامی میترسیدند ولی از زبان یونانی بعامت دوری آن زبان از عبری هر اسی نداشتند.

ولی با اینکه کوششها و تبلیغات مخالف علمای یهود زبان آرامی در عبری و قوم بنی اسرائیل چنان نفوذ کرد که یهودیان زبان عبری را فراموش کردند و چنانکه در فوق اشارت رفت احبار یهود مجبور شدند که تراجم تورات را بزبان آرامی که در آنروز گار زبان علمی و مذهبی گردیده بود بنویسند.

در اثر این نفوذ بود که زبان عبری قدیم ممیزات خود را ازدست داد و اسلوب آن تغییر یافت و کلمات آرامی جای عبری را گرفت و بسیاری از واژههای عبری تحریف پذیرفت. کتاب مشناه که بس از صحف عهد قدیم مهمترین کتاب در تشریح یهود است بیش از یونانی و رومی مشحون از کلمات آرامی میباشد<sup>۴۹</sup>

حتی در تراختلاط با آرامی ها یهودیان خط قدیم خود را ازدست دادند و خط مربع جدید را که تا کنون مورد استعمال ایشان می باشد از آرامی ها فرا گرفتند و بجای خط قدیم عبری اختیار کردند چنانکه قرابت بین خط آرامی و عبری جدید واضح است.

یهودیان خط مربع را ابتدا فقط در نوشتن مکاتیب دینی بکار میبردند و در امور دنیوی تا اواخر قرن دوم میلادی خط قدیم عبری را استعمال میکردند ولی از آن بیعده برای هر دو مقصود خط مربع جدید و ماخوذ از آرامی را مورد استعمال قرار دادند<sup>۵۰</sup>

۴۹- تاریخ لغات سامی و لفسنن ص ۵۰۱۱۳- تاریخ لغات سامی و لفسنن ص ۱۱۳